

## بسم الله الرحمن الرحيم

فقه مقارن جلسه هشتاد و دوم ۹۷/۰۲/۰۴

### آشنایی با فرق کلامی اهل سنت (۴۸)

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم و به نستعين و هو خير ناصر و معين  
الحمد لله و الصلاة على رسول الله و على آله آل الله لا سيما على مولانا بقية الله و اللعن الدائم على  
أعدائهم أعداء الله الى يوم لقاء الله

بحث ما در رابطه با شبهات بن جبرين بود ايشان به چهار دليل مي گفتم شيعيان كافر هستند! ما سه  
دليل ايشان را جواب داديم. در مورد جواب چهارم كه بحث توسل بود، در موضوع توسل هم ما گفتيم دو  
سه تا بحث است كه بايد اينها تفكيك بشود.

يكي بحث سماع موتي است كه آيا با مرگ انسان نابود مي شود و يا روحش از يك منطقه اي به  
منطقه اي ديگر منتقل مي شود آن منطقه ي دوم هم احاطه اش از اين منطقه ي اول خيلي بالاتر است، اين  
را هم بحث كردم.

در اين مورد حرف زياد است ولي بيش از اين نمي شود روي آن بحث كرد، مسئله دوم بحث استغاثه  
است. عزيزان در اين مورد دقت داشته باشند كه اصل استغاثه از ديده اهل سنت چيست؟ و  
نتيجه هايي كه در اين زمينه گرفته اند چيست؟

آقاي ابن تيميه به صراحت مي گويد:

«فإن المسلمين متفقون على ما علموه بالإضطرار من دين الإسلام أن العبد لا يجوز له أن يعبد ولا

يدعو ولا يستغيث ولا يتوكل إلا على الله»

مسلمانان اتفاق نظر دارند، همه هم می‌دانند که از ضروریات دین اسلام است که بنده نباید غیر خدا را عبادت کند.

کتاب ورسائل وفتاوی شیخ الإسلام ابن تیمیة ، ج ۳، ص ۲۷۲، اسم المؤلف: أحمد عبد الحليم بن تیمیة الحرانی أبو العباس الوفاة: ۷۲۸ ، دار النشر : مكتبة ابن تیمیة ، الطبعة : الثانية ، تحقیق : عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمي النجدي

در آن شکی نیست!

«ولا يدعو»

نبايد غير خدا را صدا بزند. حالا غير خدا را صدا نزنند؛ آیا ایشان که بچه‌اش را صدا می‌کند می‌گوید یا احمد برایم آب بیاور؛ یا مریم! برای من غذا بیاور؛ آیا این ندای غیر الله است یا ندای غیر الله نیست؟!

«ولا يستغيث»

و نباید به غیر خدا استغاثه کند، یعنی اگر دارد غرق هم می‌شود، غرق بشود نگوید فلانی دست من را بگیر، من غرق نشوم! یا اگر به زمین افتاده و نمی‌تواند بشود نباید بگوید آی بچه! آی فلانی! دست من را بگیر، من بلند بشوم.

«ولا يتوكل إلا على الله»

و توکل نکند مگر بر خدای عالم

پرسش:

مرده و زنده ندارد؟

پاسخ:

نه دیگر ببینید:

«عبد ملکا مقربا»

ملائکه که مرده و زنده ندارند، برای شان فرق نمی کند، توکل بر غیر خدا نکند، آیا این آقایان در دعاوی خودشان در دادگاهها وکیل می گیرند یا نمی گیرند؟ آیا این کسی را که به عنوان وکیل می گیرند به این می شود گفت:

«توکلت علیه»

او را وکیل قرار دادم؟ یا اصلا وکالت را باطل می دانند؟! آیا وکالت می دهد برود یک کسی خانه، منزل و یا ماشینش را بفروشد یا نه؟ اینها یک سری حرفهایی می زنند که اصلا در الفبای زندگی با مشکل مواجه می شوند.

«وأن من عبد ملکا مقربا أو نبیا مرسلا»

ملک مقرب یا نبی مرسلی را عبادت کند

«أو دعا»

یا ملکی را صدا کند

«أو استغاث به فهو مشرک فلا يجوز عند أحد من المسلمین أن يقول القائل یا جبرائیل أو یا

میکائیل»

مجموع فتاوی، ج ۳، ص ۲۷۲

دیگر جبرئیل و میکائیل زنده و مرده ندارند، که شما بیایید بگویید بحث مرده است

«أَوْ يَا إِبْرَاهِيمَ أَوْ يَا مُوسَى أَوْ يَا رَسُولَ اللَّهِ»

بحث ابراهیم و یا رسول الله اینها بحث دیگری است، ولی اینها برای شان مرده و زنده هیچ فرقی ندارد می‌گویند استغاثه از غیر الله اشکال دارد و آن آیهی شریفه‌ای که در رابطه با حضرت موسی است:

(فَاسْتَعَاثَهُ الَّذِي مِنْ شِيعَتِهِ)

سوره قصص (۲۸): ۱۵

آیا این فاستغاثه، این که از حضرت موسی استغاثه کرد، چرا حضرت موسی به او نگفت تو کافر و مشرک شدی؟ چرا از من استغاثه می‌کنی؟ از خدا استغاثه کن خدا بیاید به دادت برسد.

پرسش:

استاد! تا این جا که اشکال نبود می‌گوید اغفرلی آن که نمی‌گوید استغفرلی، در مورد اغفرلی که حرفش درست است.

پاسخ:

فرقی نمی‌کند! ارحمنی، و ارزقنی و انصرنی، کمکم کن و اغثنی اجرنی من عدوی. درباره اغفرلی هم داریم:

«يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنْ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ عِزٌّ وَجَلْ ذَنْبُوا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ»

در هر صورت... ببینید اینها همه چیز را باهم قاطی می‌کنند، فرضا هم اگر بیاید اغفرلی بگوید من را ببخش؛ درباره و ارحمنی چه می‌گوید؟ یا رسول الله ارحمنی، ببینید حداقل همین کلمه:

«یا رسول الله ارحمنی»

را در کتب اهل سنت سرچ بزنیید ببینید چندین مورد صحابه خدمت پیامبر می آیند می گویند:

«یا رسول الله ارحمنی»

یا آن آیه شریفه دارد که خدمت پیامبر اکرم صلی الله علیه واله وسلم می آیند و می گویند:

(لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا)

سوره بقره (۲): آیه ۱۰۴

این دیگر منطق قرآن است، قرآن می گوید بگویند پیغمبر! ما را مورد نظر و مرحمت قرار بده. این (حرف وهابی ها) کاملاً خلاف قرآن است.

«یا رسول الله انظرنا»

نظر مرحمت بکن، عنایت به ما بکن، از سر تقصیرات ما بگذر هر چه شما در ذیل کلمه انظرنا بیاورید کاملاً آن جا است ولی این ها متأسفانه قبول ندارند.

از آن طرف شفاء السقام سبکی که اولاً سبکی از علمای بزرگ اهل سنت است خود ذهبی درباره اش دارد العلامة الفقیه المحدث الحافظ فخر العلماء یعنی شخصیت کوچکی نیست!

«وكان صادقاً متثبتاً خيراً دیناً متواضعاً حسن السمات من أوعية العلم»

المعجم المختص بالمحدثین، اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قایماز الذهبی أبو عبد الله، دار النشر: مكتبة الصديق - الطائف - ۱۴۰۸، الطبعة: الأولى، تحقیق: د. محمد الحبيب الهیلة، ج ۱، ص

۱۶۶، ج ۲۰۴

دریایی از علم است!

این آقا از زمان حضرت آدم تا زمان خودش ادعای اجماع امت‌ها را بیان می‌کند

«يجوز ويحسن التوسل والاستغاثة والتشفع بالنبی (صلی الله عليه وسلم) إلى ربه سبحانه وتعالى،

وجواز ذلك وحسنه من الأمور المعلومة لكل ذي دين»

هرکسی که دین دارد این قضیه برایش روشن است می‌گوید امثال ابن تیمیه دین ندارند.

«المعروفة من فعل الأنبياء والمرسلين»

مخصوص ما هم نیست این مربوط به افعال انبیاء و مرسلین است، از حضرت آدم توسل و استغاثه

بوده تا عصر حاضر!

«وسير السلف الصالحين والعلماء والعوام من المسلمين»

آیا دیگر ایشان چیزی باقی گذاشت؟

«ولم ينكر احدٌ ذلك من اهل الاديان»

نه تنها اسلام!

« من اهل الاديان و لا سمع به في زمن من الأزمان، حتى جاء ابن تیمیه، فتكلم في ذلك بكلام

يلبس فيه على الضعفاء الأعمار»

شفاء السقام في زيارة خير الانام ، سبکی شافعی، ص ۳۵۷

ابن تیمیه مثل شیطان تلبیس می‌کند، مسئله را برای مردم مشتبه می‌کند ذهن مردم را مشوّش

می‌کند.

سمهودی هم از بزرگان اهل سنت است در شذرات الذهب درباره او تعبیری دارد که ساکن مدینه بود:

«عالمها مفتی‌ها مدرس‌ها مورخها الامام القدوة الحجة المفنن»

امام و پیشوا است حجت برای مردم است و در تمام فنون علم هم تسلط دارد که این آقا هم، همین تعبیر را دارد.

ایشان در کتاب می‌گوید:

«اعلم أن الاستغاثة والتشفع بالنبي صلى الله عليه وسلم وبجاهه وبركته إلى ربه تعالى من فعل

الأنبياء والمرسلين»

وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفى، المؤلف: علي بن عبد الله بن أحمد الحسنی الشافعی، نور الدين أبو

الحسن السمهودی (المتوفى: ۹۱۱ هـ)، الناشر: دار الكتب العلمية - بيروت، الطبعة: الأولى - ۱۴۱۹، ج ۴،

ص ۱۹۳، الفصل الثالث في توشل الزائر

استغاثه و شفاعت جستن از فعل پیامبران و مرسلین است

«وسير السلف الصالحين»

سیره سلف صالح است

«واقع في كل حال قبل خلقه بعد خلقه في حياته الدنيوية ومدة البرزخ و عرصات القيامة»

آیا چیزی باقی ماند که طرفداران بی‌عقل و بی‌هوش ابن تیمیه امروز دارند به این بهانه کفر

مسلمان‌ها را اثبات می‌کنند؟ یعنی اگر وهابی‌ها در زمان انبیاء گذشته بودند اول کسانی که فتوا به قتل

و کفر وهابی‌ها می‌دادند انبیاء بودند.

دو تا عالم بزرگ می‌گویند **من فعل الانبياء والمرسلين** از دیدگاه ابن تیمیه تمام انبیاء و مرسلین کلهم مشرکون هستند.

آیا از این بهتر، روشن‌تر، واضح‌تر می‌شود حرف زد؟ از علمای زیادی روایت داریم ابن حجر در الجوهر المنظم تعبیر زیبایی دارد می‌گوید:

« **والمستغاث به في الحقيقة هو الله** »

ما می‌گوییم یا رسول الله اغثنی در واقع می‌گوییم:

« **يا الله اغثنى والنبي واسطة بينه وبين المستغيث** »

چون پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله هر آنچه دارد خدا به او داده است.

می‌گوییم:

« **يا رسول الله اغثنى** »

یعنی:

« **اغثنى بقدرة الله التي اعطاك الله** »

اغثنی بقدرة الله ویاذن الله، چون پیغمبر صلی الله علیه وآله من دون اذن خدا و من دون قدرت خدا

چیزی ندارد.

« **فهو سبحانه مستغاثُ به** »

آن که مستغاثُ به است خدای تبارک و تعالی است، علامه بسندی که از علمای بزرگی است و خیلی

برای او احترام قائل هستند می‌گوید:



«قول القائل اغثنى يا رسول الله ما اراه مستنكرا»

این کار اصلاً استنکار ندارد.

«ولا مستقبحاً»

اصلاً کار قبیحی نیست!

بعد ایشان همین بحث ما را مطرح می‌کند و می‌گوید:

«إما أن ينكر وجود شعور للميت وسماعه لما يسمع»

این آقایانی که استغاثه را حرام و باطل می‌دانند یا به خاطر این است که میت شعور ندارد و

نمی‌شنود؛ می‌گوید:

«ثبت في الاحاديث الصحيحة القوية ما يقتضى أن للميت شعورا بعد موته وسماعا لما نسمع منها»

تمام را از بخاری و غیره می‌آورد بعد بحث‌های دیگر را مطرح می‌کند این‌ها نمونه‌هایی است.

یا مثلاً ملا علی قاری از اعلام احناف است و همه مذاهب برای او احترام قائل هستند. ایشان در

کتاب مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، بحث زیارت قبور و غیره را مطرح می‌کند می‌گوید:

«ولذا قيل إذا تحيرتم في الأمور فاستعينوا بأهل القبور»

مرقاة المفاتیح شرح مشکاة المصابیح، ج ۴ ص ۲۲۱ اسم المؤلف: علي بن سلطان محمد القاري

الوفاة: ۱۰۱۴هـ، دار النشر: دار الكتب العلمية - لبنان/ بيروت - ۱۴۲۲هـ - ۲۰۰۱م، الطبعة: الأولى،

تحقيق: جمال عيتاني

از دیدگاه آقایان تمام این‌ها مشرک هستند این یک نوع تحجر و برداشت غلط از کتاب و سنت است و بلکه یک ضدیت با کتاب و سنت است.

همچنین برخی از علمای داخل کشور توسط بعضی از این جوجه وهابی‌ها در زاهدان و کردستان و غیره جذب وهابی‌ها شدند و مرتب در فضای مجازی، اینترنت و در شبکه‌های شان تبلیغ می‌کنند.

ملا محمد عمر سربازی که استاد تقریباً هفتاد درصد علمای طراز اول اهل سنت کشور ما هست، هفت هشت سال قبل از دنیا رفت و برادرش عبدالرحمن سربازی که امام جمعه چابهار است شاگردان زیادی دارند. (شناسنامه کتاب) کتاب گنجینه دعا و اوراد، علامه محقق مولانا محمدعمر سربازی می‌گوید هر کس مشکلی دارد، صد بار بگوید:

«یا رسول الله إني استجير بك من ظلم فلان ابن فلانة فخذ لي حقي منه»

این انگار از استغاثه هم یک مقداری بالاتر رفته است در حقیقت یک نوع استجاره، پناه بردن است و از حضرت هم می‌خواهد **فُخْذَ لِي حَقِّي مِنْهُ** نمی‌گوید **فَسئَلُ اللهَ أَنْ يَأْخُذَ حَقِّي مِنْهُ** نمی‌گوید **بِكِ** استجیر **بِالله**، بلکه **استجیرُ بِكِ** می‌گوید.

همچنین در توسل و دعای غیر الله می‌گوید در صورتی این شرک است که ما به این‌ها مستقلاً عقیده داشته باشیم و در غیر این صورت نداء لغیر الله شرک نیست مثل این که عقیده دارد که او خود صدا و ندا را می‌شنود اما خداوند کریم به او اطلاع می‌دهد یا به اذن الله برای او صدایی منکشف می‌شود یا به اذنه تعالی فرشته به او می‌رساند.

این همان عقیده‌ای است که شیعه دارد که ائمه علیهم السلام باذن الله تبارک و تعالی وبقدره الله تبارک و تعالی حوائج مردم را یا مستقیم می‌دهند یا از خدا می‌خواهند کلاهما مشروعان این بحث‌ها را مفصل از آقایان داریم.

بحث دیگری که مطرح است و من مطرح می‌کنم تا این بحث را تمام بکنیم علامه قسطلانی صاحب کتاب شرح صحیح بخاری کتابی به نام المواهب اللدنیة بالمنح المحمدیه صلی الله علیه وآله وسلم، دارد ایشان در جلد۲ آن کتاب می‌گوید:

«ینبغی للزائر»

زائر قبر پیغمبر صلی الله علیه واله وسلم

« أن یکثر من الدعا والتضرع والاستغائة»

بعد می‌گوید:

«الاستغائة هی طلب الغوث، فالمستغیث یطلب من المستغاث به أن یحصل له الغوث منه، فلا فرق

بین أن یعبر بلفظ الاستغائة أو التوسل أو التشفع...»

در مدتی قبل از خلقش، بعد از خلقش، در دنیا، در برزخ، در قیامت پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله

قابل استغائه است بعد استغائه حضرت آدم را می‌آورد توسل در عالم برزخ را می‌آورد.

بعد می‌گوید:

«ولقد کان حصل لی»

قسطلانی دیگر در حقیقت از اعیان و ارکان اهل سنت است، ایشان می‌گوید من یک بیماری داشتم

« اعيا دواؤه الاطباء »

اطباء از مداوای آن عاجز شدند

« واقمت به سنين فاستغثت به »

در مدینه چند سالی که بودم به پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله استغاثه کردم نمی‌گویند تو تسل کردم!

« فاستغثت به ليلة الثامن والعشرين من جمادى الاولى ومنّ عليّ بالعود في عافية بلا محنة فبينما أنا

نائم إذ جاء رجل معه قرطاس »

المواهب اللدنية بالمنح المحمدية، ج ۴، ص ۵۹۵ ط المكتب الاسلامی

به پیغمبر متوسل شدم و پیغمبر من را شفاء داد در خواب دیدم کسی آمد که کاغذی در دستش

است در کاغذ این مطلب نوشته بود

« هذا دواء لداء أحمد بن القسطلاني من الحضرة الشريفة بعد الإذن الشريف النبوي ثم استيقظت »

به اذن پیغمبر صلی الله علیه وآله از روضه مطهره فرمان شفای قسطلانی آمد می‌گویند از خواب بیدار

شدم

« فلم أجد بي - والله - شيئاً مما كنت أجده »

به خدا قسم، آثاری از بیماری در خودم احساس نکردم.

« وحصل الشفاء ببركة النبي - صلى الله عليه وسلم ».

بعد ایشان می‌گویند دو سال بعد هم در راه مکه که به طرف مصر می‌رفتیم خادمه‌ای به نام غزال

داشتیم که اهل حبشه بود این خادمه دچار صرع شد بدنش می‌لرزید و می‌افتاد و غش می‌کرد.

«واستمر بها أياما فاستشفعت به - صلى الله عليه وسلم - في ذلك، فأتاني آت في منامي»

المواهب اللدنية بالمنح المحمدية، ج ٤، ص ٥٩٥ ط المكتب الاسلامي

مدتی این شخص دچار صرع شده بود باز به پیغمبر صلی الله علیه وآله متوسل شدم کسی در خوابم

آمد

«ومعه الجنى الصارع لها فقال: لقد أرسله لك النبي - صلى الله عليه وسلم فعاتبته وحلفته أن لا يعود

إليها، ثم استيقظت وليس بها قلبه كأنما نشطت من عقل»

یکی از اجنه آمد میخواست او را دچار صرع کند، او را به پیغمبر قسم دادم که این شخص را اذیت

نکند از خواب که بیدار شدم دیدم این کنیز حبشی اثری از بیماری و صرع ندارد.

شما می گوید استغاثه شرک است این عالم شما می گوید من استغاثه کردم و شفا پیدا کردم.

**پرسش:**

ابن تیمیه می گوید شیاطین او را شفا داده اند.

**پاسخ:**

شیاطینی که می گوید از قبر پیغمبر بیرون آمد این است! این را هم بگوییم شیاطین این کار را

کردند؟!

تاریخ مدینه دمشق از فردی به نام منکدر ابن محمد نقل می کند مردی از اهل یمن برای جهاد

می رفت ۸۰ دینار به من داد مدتی گذشت و دیدم نیامد تمام این ۸۰ دینار را خرج کردم!

می‌گویند بعد از مدتی برگشت و گفت پول من را بده من من چیزی هم نداشتم آدم در مسجد

خوابیدم

«متلوذا بقبر رسول الله (ص)»

یعنی به قبر و منبر پیغمبر پناه برد دید که یک فردی در همان تاریکی آمد گفت:

«دونکها یا محمد قال فمد یده، فإذا صرة فیها ثمانون دینارا»

دیدم یک صُره یعنی کیسه‌ای در همان تاریکی که متلوذ به قبر پیغمبر بودم کیسه را باز کردم دیدم

در داخل کیسه دقیق ۸۰ دینار است. آیا اینجا هم اجنه می‌آیند ۸۰ دینار می‌دهند؟! مشابه این ما فراوان داریم.

این را هم عرض کنم ابن جوزی بزرگ که از علمای بزرگ‌شان است نه سبط جوزی ایشان از ابو زرعه

طبری می‌گوید:

در سفر به سمت مکه بودیم در راه به مشکلی برخوردیم غذاهای مان تمام شد خدمت پیغمبر اکرم

رسیدیم و آن‌جا ماندیم گفتیم:

«یا رسول الله أنا ضیفک اللیة»

امشب ما مهمان شما هستیم یک ساعتی گریه می‌کردیم دیدم که

«رأیت رسول الله فوضع فی یدی دراهما»

خوابم برد دیدم رسول اکرم صلی الله علیه وآله آمد یک درهمی در دست من گذاشت.

«وفتح یده فاذا فیها دراهم»

از خواب بیدار شدم دیدم این درهم‌ها در دستم است، رفتم غذا گرفتم و خوردم.

از این‌طور موارد که بزرگان اهل سنت، اعیان اهل سنت استغاثه به قبر پیغمبر اکرم صلی الله علیه وآله

کردند و نتیجه دیده‌اند الی ماشاء الله در کتب اهل سنت آن هم کتاب‌های معتبرشان وجود دارد.

هم آیه قرآن، هم حدیث نبوی، هم اقوال علمای اهل سنت و هم سیره عملی بزرگان اهل سنت در

استغاثه و نتیجه گرفتن از استغاثه به پیغمبر صلی الله علیه وآله فراوان است.

والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته